

# هدف کاهش سن رأی در انتخابات

گفت و گو ایرج ادیبزاده از رادیو زمانه با مهرداد درویشپور در باره هدف کاهش سن رأی در انتخابات

در فاصله کمیتر از دو هفته به انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، نامزدهای این انتخابات به محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور کنونی، اقدامات وی را با هدف رأی از بودجهی کشور و به دست آوردن رأی با استفاده از امکانات دولتی توصیف کرده‌اند.

از جمله وعده‌ی اوراق مشارکت برای طرح‌های نفتی، وعده‌ی پرداخت ماهانه به هر ایرانی، اعطای سکه‌ی طلا به کارکنان یک بیمارستان، چک‌های پنجاه هزار تومانی به دانشجویان برخی دانشگاه‌ها و هدیه ویژه‌ی رئیس‌جمهور در خوابگاه دختران دانشگاه تهران.

یکی دیگر از طرح‌ها و اقداماتی که از سوی دولت محمود احمدی‌نژاد دنبال می‌شود و بار دیگر لایحه‌ی آن به مجلس شورای اسلامی فرستاده شده است، پایین آوردن سن رأی‌دهندگان با هدف شرکت جوانان ۱۵ ساله در انتخابات است.

غلامحسین الهام، سخنگوی دولت گفته است ما از حق جوانان دفاع می‌کنیم و می‌افزاید دولت لایحه‌ی را به مجلس فرستاده که سن رأی‌دهندگان در قانون ۱۵ سال کامل باشد. تاکنون این لایحه چند بار از سوی دولت به مجلس ارایه شده است اما هر بار با مخالفت نمایندگان حتماً گروه اصولگرای آن روبه‌رو شده است.

برای بررسی بیشتر این موضوع با آقای مهرداد درویشپور، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس در سوئد، عضو شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک گفت و گو کرده‌ام.

آقای درویشپور به نظر شما اصرار دولت محمود احمدی‌نژاد برای پایین آوردن سن رأی‌دهندگان به ۱۵ سال چیست؟ با وجود آن‌که در قوانین جهانی جوانان زیر ۱۸ سال کودک شمرده می‌شوند؟

نفس این که در جامعه‌ی ایران دولت احمدی‌نژاد می‌خواهد سن رأی‌دهندگان را به ۱۵ سال کاهش بدهد، گویای وضعیت تراژیک و رقت‌باری است که دولت احمدی‌نژاد با آن روبه‌رو است.

از یک طرف انگیزه‌ی دولت از این کار افزایش شانس پیروزی انتخاب مجددش در انتخابات است. به دلیل این‌که اگر بتوانند سن رأی‌دهندگان را پایین بیاورند تحت تأثیر قرار دادن افرادی که کودک و خردسال محسوب می‌شوند و هنوز از بلوغ ذهنی کافی برخوردار نیستند ساده‌تر خواهد بود. بنابراین با توجه به این‌که هم رسانه‌ها در کنترل دولت

احمدی‌نژاد قرار دارد و هم اینکه نگران شکست خود در انتخابات است به شدت نیاز به افزایش رأی خود دارد.

به همین دلیل سعی می‌کند بر گروه‌هایی سرمایه‌گذاری بکند که احتمالاً ممکن است از پختگی ذهنی کافی برخوردار نباشند یا شناخت لازم را نداشته باشند. به طور مثال تلاش دولت برای سرمایه‌گذاری در روستاهای عقب‌افتاده، که احتمالاً ساکنانش چندان از کم و کیف مقولات سیاسی، اجتماعی جامعه و جهان مطلع نیستند آغاز شده است.

تمایل برای به دست آوردن رأی آنها تمایل برای به دست آوردن رأی ناآگاه‌ترین‌ها است. درست با همین نوع نگاه و منطق سعی می‌کنند رأی خردسالان را که کمتر آگاهی سیاسی - اجتماعی دارند و حتی از بلوغ سنی برخوردار هم برخوردار نیستند به دست بیاورند.

طبیعتاً اگر این گروه بتواند واجد رأی شود برای دولت احمدی‌نژاد پیروزی بسیار، بسیار بزرگی خواهد بود. چون رأی این افراد را آسان‌تر می‌شود با تبلیغات و شستشوی مغزی خرید و سطح آگاهی پایین‌تر این گروه نوجوانان و خردسالان می‌تواند ابزار دست مناسبی برای کسب مشروعیت و نوعی مان‌پلیشن یا همان‌طور که گفتم شستشوی مغزی باشد.

جنبه‌ی دیگر تراژیک ماجرا در اینجا است که در تمام جهان ۱۸ سال را سن قانونی قرار داده‌اند تا فرد بتواند رأی بدهد. چون فرد از لحاظ ذهنی می‌تواند در تمام امور زندگی مستقل و دارای حق تصمیم‌گیری باشد. این‌که در جامعه‌ی ایران در زمینه‌ی مهمی نظیر مسأله‌ی حق رأی، سن حق رأی را از ۱۸ سال به ۱۵ پایین بیاورند یعنی دوران کودکی را تا ۱۵ سال تقلیل داده‌اند.

معنای دیگر این اقدام نوعی تجاوز به حقوق کودکان زیر ۱۸ سال است. این‌که در تمام جهان افراد زیر ۱۸ سال هنوز کودک تلقی می‌شوند اما در ایران سعی می‌کنند حق رأی از ۱۸ سال به ۱۵ سال تقلیل دهند بدان معناست که به نوعی سن تصمیم‌گیری و مسئولیت‌آداری زندگی اجتماعی افراد را یکباره پایین بیاورند. این در حالی است که هیچ نوع شرایط دیگری برای نوجوانان و خردسالان بهبود نیافته است. امری که آنرا چیز دیگری نمی‌شود نامید جز تقلیل حقوق کودکان و کوتاه کردن عمری را که فرد به عنوان کودک بیش از آن‌که نیازمند تصمیم‌گیری باشد نیازمند حمایت جامعه است. از این بعد به نظر من نه فقط این کار یک شگرد زشت انتخاباتی برای سرمایه‌گذاری روی گروه‌های کمتر آگاه‌تر و کسب رأی بیشتر است، بلکه تجاوزی آشکار به حقوق کودکان از طریق کم کردن سن کودکی و خردسالی و وادار کردن آنها به تصمیم‌گیری در مورد یکی از مهم‌ترین مسایل سیاسی مملکت است.

آقای درویش‌پور، گفته شده است که چندین بار این لایحه را به مجلس شورای اسلامی فرستاده‌اند که مجلس تصویب نکرده است. حتی گروه موسوم

به اصولگرا هم در میان مخالفان این لایحه هستند. فکر می‌کنید چه وضعی پیش آمده که دوباره می‌خواهند این لایحه را به مجلس بفرستند آن هم تقریباً دو هفته مانده به انتخابات ریاست جمهوری؟  
نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی در ابعاد گوناگون جریان دارد. نقض حقوق کودکان هم یکی از مشکلات جامعه است. اما مجازات اعدام کودکان زیر ۱۸ سال آنقدر شنیع و زننده بوده که افکار عمومی جهان واکنش نشان داد و حتا برخی از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری به صراحت مخالفت خودشان را با آن بیان کرده‌اند.

کاهش سن حق رأی آنقدر اقدام شنیعی است که هیچ گروهی در جامعه جرأت دفاع از آن را ندارد. حتا در گذشته هم بنا بر عرف و مقرارت بین‌المللی بسیاری از نمایندگان پارلمان هم جرأت نکردند بر این لایحه صحنه بگذارند و حتا با آن مخالفت آشکار کردند.

اینکه این لایحه درست چند هفته قبل از انتخابات مجدداً به مجلس برده شده است دارای پیام صریحی است. یعنی دل‌نگرانی بنیادگرایان و به خصوص دولت احمدی‌نژاد از شکست آنقدر بالا است که حتا صبر نمی‌کنند دولت بعدی در این زمینه بررسی کرده و تصمیم‌گیری را به پارلمان موکول کند.

به نظر من تلاش جدی وجود دارد که این اقدام در دوره کنونی دولت احمدی‌نژاد تصویب شود و اگر تصویب شود همان‌طور که گفتم ما شاهد آرایش جمعیتی دیگری خواهیم بود. یعنی افزایش رای چند میلیونی که قای احمدی‌نژاد روی آن حساب باز کرده که با تبلیغات بتواند آنرا به دست آورد.

به نظر من این اصرار مجدد هیچ دلیل دیگری جز دل‌نگرانی دولت احمدی‌نژاد از شکست در این انتخابات را ندارد. وگرنه روشن است تعجیل آن‌هم در دقیقه ۹۰ تعجیلی فاقد منطق است و دلیلی جز نیاز به افزایش رأی ندارد.